

## یاد و خاطره اعدام شده گان سال 67 جاودانه باد!

گفت آن یار کزو گشت سردار بلند

جرمش این بود که اسرار هویدا میکرد

ماه مرداد و شهریور سال ۶۷ قضاوت در ردای قضاوت، در اتاق‌های مرگ، در سراسر مهین حضور یافت، تا در بند یان را با رؤیا های شان بر سفره چرمین گردن زند. سروان سبز را بر دار کشیدند، که نمایشی از نماد و ذات جمهوری سیاه را عربان بود. این فاجعه حاصل بیماری جنون " لحظه ای" و یا یک " تصمیم عجولانه " نبود، بلکه وحشت از طوفانی بود، که پایان جنگ بی افتخار می توانست بنیان های آنرا به چالش کشد. بایستی دریا دلان در بند را به عنوان ذخیره تفکر انقلاب مورد آماج توحش قرار داد. درک درست، آن می تواند باشد، که قدرت سرکوبگر جمهوری اسلامی در شرایط بحران انقلابی، کشتار را، به مثابه یک عمل پیش گیرنده می فهمد. این شیوه، بنا بر تجربه، زمان دست یازیدن بدان را به حال تعلیق در میاورد. همچنان که در سال ۸۸ در پی اعتراض به غارت رای مردم آنرا تکرار کرد. در چنان موقعیت ها، برای نفس قدرت، قانون و انسان بودن تهی از معنا می شود.

کشتار ۶۷ نیازمند مرثیه خوانی، و یا بیان روایت اندوهگین خود نیست. آنچه باید روی آن تمرکز کرد، همانا ماندگاری روایت این فاجعه نادر در حافظه جمعی ماست و عیار و درجه قضاوت در یک حاکمیت تک صدائی که امکان رخداد آن می رود. جمهوری اسلامی از این حافظه به نفع فاجعه های آینده بهره می گیرد و آن لحظه خطر است، لحظه ای که همه ی مفهوم های فرهنگ والای بشری از اعتبار ساقط و در ظرف مصلحت امر حکم حکومتی غرق در خون می شوند. در واقع، کشتار ۶۷ تیر خلاصی بود بر تفکر انقلاب که هنوز در پس کوچه ها از دید گزمه گان ولایت در گریز بودند.

مابا نها دن گلی در مسیر اوین تا خاورانها با مادران و همسران و فرزندان احساس هم پیمانی می کنیم، تا رسیدن به حقیقت آن " فاجعه" پای پس نخواهیم کشید. سر فرومی آوریم به یاد سروان همیشه جاودان و هم صدا می خوانیم که خاوران به نماد سمبل مقاومت ما و امید داشتن به روشنائی در پس

این شب تیره است.

هادی امینیان

۱۴ اوست ۲۰۱۲ - ۲۴ مرداد ۱۳۹۱